





به نام خدا

# پالمیرا پس از زینب

(۲۷۳-۷۵۰)

ارزیابی مجدد باستان‌شناسی و تاریخی

نویسنده:

امانوئل . ای . ایتاگلیا

مترجم:

سمیه کهن

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می‌باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : ای. اینتاگلیا، امانویل، ۱۹۷۰  
Intagliata, Emanuele Ettore, author

عنوان و نام پدیدآور : پالمیرا پس از زینب (۷۵۰ - ۲۷۳) : ارزیابی مجدد باستان‌شناسی و  
تاریخی/نویسنده امانوئل. ای. اینتاگلیا ؛ مترجم سمیه کهن.

مشخصات نشر : مشهد: ارسطو، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۴۱۸ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۱۷-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: Palmyra after Zenobia, ۲۷۳-۷۵۰ : an archaeological  
and historical reappraisal

موضوع : تدمر (سوریه) -- تاریخ

Tadmur (Syria) -- History

سوریه -- تاریخ -- ۳۳۳ق.م. - ۶۳۴م.

۶۳۴A.D - B.C ۳۳۳ -- Syria -- History

سوریه -- تاریخ -- ۱۳۳-۱۳ق.

۷۵۰-۶۳۴ -- Syria -- History

شناسه افزوده : کهن، سمیه، ۱۳۶۲، ۰۹۱۵۹۲۲۴۳۲۰

رده بندی کنگره : DS۹۹

رده بندی دیویی : ۹۳۹/۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۵۶۹۸۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : پالمیرا پس از زینب

نویسنده : امانوئل . ای. اینتاگلیا

مترجم : سمیه کهن

ناشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : مدیران

قیمت : ۳۳۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۱۷-۰

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

- مقدمه..... ۱
- قالب بندی تحقیق. تحقیقات ثانویه درباره‌ی پالمیرا در اواخر دوران باستان و  
اوایل دوره‌ی اسلامی..... ۳
- شواهد در حال استفاده..... ۱۱
۱. سرزمین پالمیرا..... ۲۱
- شهری دورافتاده که مردمان دوران باستان ساخته‌اند. نکاتی درباره سیستم  
جاده‌های منطقه و شواهدی از سفر و تجارت..... ۲۴
- شغل ساکنان پالمیرا: شواهد موجود..... ۳۸
- نتیجه گیری..... ۶۳
۲. منظره‌ی شهری در حال تحول..... ۶۵
- پالمیرا: پولیس، کلونیا، فروریون و مدینه..... ۶۶
- وسعت و محدوده سکونت‌گاه‌ها..... ۶۹
- شبکه خیابان‌ها..... ۷۱
- منابع آب و سیستم تامین آب..... ۷۹
- تغییرات شهری بزرگ: شکل‌گیری محله‌های تخصصی جدید..... ۸۶
- تغییرات شهری کوچک: تبدیل پولیس به مدینه..... ۸۹
- نتیجه‌گیری..... ۹۸
۳. جامعه و مسکن..... ۱۰۱

- جامعه پالمیرا در اواخر دوران باستان و اوایل دوره اسلامی: مواجهه با فقدان شواهد..... ۱۰۲
- مسکن: مروری بر شواهد..... ۱۰۵
- اظهارات درباره مسکن در پالمیرا پس از روم..... ۱۱۹
- خانه‌های سرمین پالمیرا پس از دوران روم به عنوان میزان سنجش برای تغییرات اجتماعی..... ۱۲۷
- نتیجه‌گیری..... ۱۳۶
- ۴. زندگی مذهبی و جوامع در اواخر دوره باستانی و اوایل دوره اسلامی در پالمیرا..... ۱۳۷
- ساختار تاریخ مذهبی پالمیرا پس از روم از طریق منابع مکتوب و شواهد مربوط به سنگ نوشته‌ها..... ۱۳۸
- شواهد باستان‌شناسی..... ۱۵۱
- نتیجه‌گیری..... ۲۰۲
- ۵. امور نظامی..... ۲۰۵
- پادگان پالمیرا..... ۲۰۶
- اردوگاه دیوکتیان..... ۲۱۴
- نتیجه‌گیری..... ۲۴۶
- ۶. دیوارهای شهر..... ۲۴۹
- پرونده‌هایی که هنوز حل نشده‌اند: گاه‌شماری به اصطلاح «دیوار دیوکتیان»..... ۲۵۰
- منابع مکتوب..... ۲۵۳
- شرح بقایای به جا مانده..... ۲۶۰
- تکنیک‌های ساختمانی..... ۲۶۸
- دیوارهای شهر پالمیرا و معماری نظامی اواخر دوره باستانی..... ۲۷۸
- نتیجه‌گیری..... ۲۹۱

۷. پالمیرا پس از زینب: یک داستان تاریخی..... ۲۹۳
- مقدمه: ویرانی‌های سال ۲۷۳..... ۲۹۴
  - عواقب ویرانی‌ها..... ۲۹۶
  - قرن چهارم..... ۳۰۰
  - قرن پنجم..... ۳۰۶
  - قرن ششم و سه دهه اول قرن هفتم..... ۳۱۲
  - اوایل دوره اسلامی در پالمیرا..... ۳۱۸
  - پایان داستان، پالمیرا..... ۳۲۹
۸. نتیجه‌گیری: پالمیرا از یک چشم‌انداز..... ۳۳۳
- اواخر دوره باستانی..... ۳۳۴
  - اوایل دوره اسلامی..... ۳۴۳
  - نتیجه‌گیری: پالمیرا از یک چشم‌انداز..... ۳۴۶
- ضمیمه‌ها: منابع مکتوب..... ۳۵۱
- اختصارات..... ۳۷۵





## مقدمه

تاریخ شهر پالمیرا، «عروس صحرا»، براساس اولین تحقیقات جدی باستان شناسان غربی در این مکان، به دو مرحله تقسیم می‌شود و وقایعی که در سال‌های ۲۷۲ و ۲۷۳ در این شهر اتفاق افتاد، حد فاصل این دو مرحله است. سه قرن اول، دوره‌ی رونق این شهر بود. در آن دوران، پالمیرا به عنوان یک شهر کاروانسرای بسیار مهم شکوفا شد. جامعه‌ی این شهر رشد کرد، هنر، معماری و زبان مردمان آن (پالمیرن، گویش آرامی غربی) همگی شواهدی بر وجود هویتی ریشه‌دار و مستقل هستند که حاصل روابط متقابل و پیچیده بین شرق و غرب است. بسیاری از بقایای باستان شناسی که هنوز هم در پالمیرا مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده‌ی جامعه‌ای با فرهنگی ترکیبی است و شهرت این شهر را مدیون همین بقایا هستیم. در واقع، عظمت و شکوه معماری بی‌همتایی که بین قرن‌های اول تا سوم توسعه یافت، اولین معیار انتخاب پالمیرا برای ثبت در میراث جهانی یونسکو است (UNESCO[n.d.]). رونق تجاری این شهر ناگهان پس از تلاش‌های زینب (زنوبیا) برای فتح آن و واکنش امپراتور رومی دوره‌ی اورلیان (۲۷۰-۲۷۵) که به شهر لشکر کشید و به جاه طلبی ملکه در سال ۲۷۲ پایان داد، متوقف شد. منابع مکتوب نشان می‌دهند که چگونه پالمیرا پس از سرکوب شورش دوم در سال ۲۷۳، توسط اورلیان‌ها نابود شد (یا حداقل آسیب‌های بسیار جدی دید) (Zos., Hist.Nov. 1.61; HA Aurelianus 31.5-). (9).

در هنگام اولین سفرهای اروپاییان به این شهر، پالمیرا درگیر مبارزات طرفداران زینب بر علیه اقتدار و ظلم امپراتور، برای دستیابی به استقلال بود و بقایای باستانی به یاد ماندنی از دوران روم نیز در این شهر دیده می‌شد. به دلیل این‌که این شهر در حاشیه‌ی کویر قرار گرفته است، تصویری رمانتیک و زیبا از این شهر ویران شده قابل مشاهده است و این امر باعث شده که بقایای کم‌اهمیت پس از دوران روم نتوانند فضایی برای از بین بردن

تصویر زیبای دوره‌ی باستانی آن بیابند. در واقع، داستان افول این شهر که محققان و مسافران نئوکلاسیک به شدت به آن علاقمند هستند، بر نظریه‌ای که در تحقیقات ثانویه برای توصیف سرنوشت این شهر پس از فروپاشی قدرت پالمیرا استفاده می‌شود، غالب شده است.

توجه کم تحقیقات ثانویه به پالمیرا در اواخر دوران باستان و اوایل دوره اسلامی باعث شده که اهمیت این شهر در این دوران به خوبی شناخته نشود. پالمیرا علیرغم از دست دادن موقعیت تجاری‌اش در حوزه‌ی بازرگانی کاروان‌ها از شرق به غرب، نقش استراتژیک خود را در تمام دوران باستان به عنوان دژی قدرتمند در امتداد مرزهای شرقی حفظ کرد و در قرن چهارم میزبان یک هنگ از سپاه روم بود و در اوایل قرن ششم یک هنگ دیگر از رهبران فینیقیه لبنان نیز به آن جا آمدند. در اوایل دوره‌ی اسلامی، این شهر مرکز سیاسی قدرت قبایل بنی‌کلب بود و تا زمان فروپاشی سلسله امویان نقش محوری در حمایت از خلافت داشت. بعد از این دوره، پالمیرا به یک سکونت‌گاه کوچک تبدیل شد و روندی از تمرکز زندگی در دهکده‌های کوچک در داخل تمنوهای معبد بل را تجربه کرد و در نهایت خالی از سکنه شد.

هدف این کتاب ارائه‌ی گزارشی از تاریخ این شهر در «عصر تاریک» یعنی از شورش دوم در پالمیرا تا پایان حکومت امویان (۲۷۳-۷۵۰) است. برای سهولت تفکیک وقایع، دوره‌ی بین سال‌های ۲۷۳-۶۳۴ که در بخشی از آن سوریه توسط ایرانیان فتح شد (۶۱۳-۶۲۸)، به طور کلی دوره‌ی «اواخر باستان» نامیده می‌شود. «اوایل دوره اسلامی» حد فاصل زمانی بین فتح شهر توسط مسلمانان (۶۳۴) تا پایان سلسله امویان (۷۵۰) را نشان می‌دهد. در دوره عباسیان، به نظر می‌رسد زندگی در این شهر، تقریباً تا اواسط قرن نهم ادامه داشت. البته سکونت‌گاه‌ها بسیار متمرکز شده بودند. با این حال، شواهد کمی برای توضیح وقایع این شهر در این دوره به جا مانده است و به همین دلیل این بخش از این مطالعه حذف شده است. قبل از ارائه‌ی گزارشی از تاریخ این شهر درباره‌ی پس از دوران روم باستان (فصل ۷)، برخی موضوعات تحقیقاتی یا موارد مشخص از شواهد که مطالب کافی برای ارائه‌ی آن‌ها در دسترس است، در هر فصل بیان می‌شود. این موارد عبارتند از: مناطق داخلی شهر پالمیرا (فصل ۱)، شهرسازی پس از دوران باستان (فصل ۲)، جامعه پالمیرا از دریچه‌ی شواهد باستان‌شناسی به جای مانده از ساختمان‌های مسکونی شخصی

(فصل ۳)، زندگی مذهبی (فصل ۴)، امور نظامی (فصل ۵) و دفاع از شهر (فصل ۶). ما معتقدیم که این کار برای ارائه‌ی مطالب کلی پراکنده و تجدید نظر درباره‌ی نظریه‌های قدیمی و ارائه‌ی پیشنهادات جدید ضروری است. در فصل پایانی (فصل ۸)، شواهد باستان‌شناسی در پالمیرا با سایر مکان‌های تاریخی مربوط به اواخر دوره باستان در خاور نزدیک مقایسه می‌شود تا از منظری بسیار گسترده‌تر به شهر توجه شود. در ادامه پیوست و منابع مکتوب برای ترجمه‌ی استفاده شده در متن اصلی را گردآوری کرده‌ایم.

## قالب بندی تحقیق. تحقیقات ثانویه درباره‌ی پالمیرا در اواخر دوران باستان و اوایل دوره اسلامی

این تحقیقات در ادامه‌ی سال‌ها مطالعه از اولین سفرهای گروه‌های غربی به این مکان در اواخر قرن هفدهم تاکنون انجام شده است. تحقیقات درباره‌ی شهر پالمیرا از سال ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفت و حوادث مربوط به قرن سوم میلادی در آن بررسی شد. مرحله‌ی بعد از دوران روم باستان، به عنوان دوره‌ی انحطاط بدون حادثه‌ی خاصی در نظر گرفته می‌شود، که به نظر می‌رسد تنها با نوسازی شهر در دوره‌ی ژوستینیان توسط پروکوپئوس همراه بوده است (Aed., 2.11.10-12) و توسط ملاس (ch 17.2) و تئوفان (ch 1.174) ثبت و گزارش شده است. تعدادی از نویسندگان از جمله هالی (۱۹۶۵) و سلز (۱۷۰۵) شروع این افول را همزمان با «جنگ‌های امپراتوری ساراسن» می‌دانند (هالی ۱۶۹۵-۱۶۷). این نظریه در اولین مطالعات درباره‌ی این شهر به دست آمد که در فتح شهر توسط خالد بن ولید، در زمان پیروزی اسلام بر مسیحیت مشاهده می‌شود. البته در برخی از آثار مکتوب که در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ نوشته شده‌اند، احتمالاً نظریه‌ی پیرن رایج‌تر است (مانند پوچستین ۱۹۳۲-۱۷).

با این وجود، اغلب محققان افول شهر را با درگیری‌های دوره‌ی اورلیان در سال-های ۲۷۲-۲۷۳ مرتبط می‌دانند. علل شکل‌گیری این نظریه، کمبود آشکار کتیبه‌ها پس از این تاریخ و همچنین ادعای زوال توسط پروکوپئوس است. می‌توان گفت که ادعای وود در این مورد آغازگر این نظریه بود. این محقق معتقد است که سرنوشت این شهر بعد از

سلطنت دیوکلتیان بسیار مبهم شده است. او همچنین اظهار داشت که مدت‌ها قبل از نوسازی ژوستینیانوس، «پالمیرا آزادی و بازرگانی، دارایی و حتی ساکنان خود را هم از دست داده بود» (وود ۱۷۵۳-۲۰). او در بخشی با عنوان «چرا افول پالمیرا بسیار سریع بود» ادعا می‌کند که علت اصلی انحطاط پالمیرا، توقف ناگهانی تجارت بود که منبع اصلی امرار معاش مردم در زمان رومیان به شمار می‌رفت (وود ۱۷۵۳:۲۰).

به همین ترتیب، «گیبون» نیز در کتاب اصلی خود استدلال می‌کند که پس از عملیات نظامی به رهبری اورلیان‌ها، «این مرکز بازرگانی و هنر در دوران قدیم، به تدریج به یک شهر گمنام تبدیل شد و به اندازه‌ی یک دهکده کوچک شد» (گیبون ۱۸۳۱-۱۱۷). براساس یافته‌های وود، رویدادهای مربوط به سقوط زینب، به عنوان دلایل اصلی تبدیل مرحله‌ی رونق به مرحله‌ی زوال بیان شده است. همان‌طور که رایت در سال ۱۸۹۵ پیشنهاد کرد، به نظر می‌رسد نوشته‌های «وود» و «گیبون» الهام بخش گروه‌های تحقیقاتی هم‌زمان با آن‌ها و حتی بعد از آن‌ها در این شهر بوده است. رایت، ۵ فصل از کتاب خود را به شرح ظهور و سقوط زینب اختصاص داده است و روایت خود را با بحث درباره‌ی «انحطاط پالمیرا» در دوره‌ای ادامه می‌دهد که «شکوه‌نگین تدمر به تاریخ پیوست» (رایت ۱۸۹۵: ۱۶۹). همچنین *مادرلو شاو* (۱۷۵۸: ۳۲). توافق بر سر انحطاط در نظریه‌ی رایج، منجر به ایجاد تدریجی نوعی مانع علمی شد که اجازه‌ی توسعه‌ی مطالعات سیستماتیک برای اواخر دوران باستان و اوایل دوره‌ی اسلامی را نمی‌داد.

ما در بررسی‌های مان از توسعه‌ی پالمیرا در آخرین مراحل آن متوجه شدیم که این آثار قبل از قرن بیستم، دو محدودیت اصلی را نشان می‌دهند. اولین مشکل، عدم مراجعه‌ی کامل به منابع مکتوب عربی زبان است. تحقیقات «گریم» در سال ۱۸۸۶ که به زبان لاتین منتشر شد، در هیچ بخشی از این منابع استفاده نکرده است. این تحقیقات با عنوان «سرنوشت پالمیرا یا تدمر در دوره‌ی اسلامی»<sup>۱</sup>، تاریخ کوتاهی از شهر را که مربوط به حوادث بعد از سال ۲۷۳ است بیان می‌کند و بیشتر حوادث مربوط به دوران روم را حذف کرده است. گریم با بررسی منابع عربی به این نتیجه رسید که پالمیرا در اوایل دوره اسلامی همچنان رونق خود را حفظ کرده بود اما پس از پایان حکومت امویان، که پایتخت

<sup>۱</sup> *Palmyrae sive Tadmur urbis fata quae fuerint tempore muslimico*

از دمشق به بغداد تغییر کرد، به شهری کوچک تبدیل شد (گریم ۱۸۸۶-۲۰). با وجود عناصر جدید در مباحث، به نظر نمی‌رسد که این کار مسیرهای جدیدی را برای مطالعات بعدی معرفی کرده باشد. محدودیت دوم تحقیقات اولیه، فقدان کامل هر گونه ارجاع به آثار باستان‌شناسی است، زیرا قبل از آغاز قرن بیستم، حفاری‌های منظم انجام نشده بود. تحقیقات تیم آلمانی توسط «ویگاند» بین سال‌های ۱۹۰۲-۱۹۱۷ و کاوش‌های گابریل در دهه ۱۹۲۰، «با حمایت آکادمی کتیبه‌ها و بل لترز<sup>۲</sup>»، دو نقطه عطف در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر پالمیرا است (گابریل ۱۹۲۶. ویگاند ۱۹۳۲a). اگرچه بیشتر تلاش‌های این محققان مربوط به بقایای یادبودها از دوران روم بود، اما آثار آن‌ها اطلاعاتی را درباره‌ی ساختمان‌های دوران بعد ارائه می‌دهد. برای مثال، در مقاله‌ی «گابریل» طرح دو کلیسا در ربع شمال غربی شهر نشان داده شده است و او نتیجه گرفته است که یکی از آن‌ها (کلیسای چهارم)، کلیسای جامع شهر بود که در اوایل قرن چهارم ساخته شده بود. با این حال، محقق نظر خود را درباره‌ی افول احتمالی شهر بیان نمی‌کند. «پوجستین» (۱۹۳۲): یکی از اعضای هیئت اعزامی آلمانی به سرپرستی ویگاند بود. وی معتقد است که شهر در اواخر دوران باستان تحولات شهری مهمی را تجربه کرده است و پیشنهاد کرد که فروپاشی آن با ظهور اسلام همزمان است.

در دهه ۱۹۳۰، موج جدیدی از علاقمندی به اواخر دوران باستان در پالمیرا دیده می‌شود. مانع‌برداری از آثار موجود در روستا، در محدوده‌ی معبد بل در اوایل این دهه اتفاق افتاد و بر چیدن مسجدی که در حجره‌ی آن ساخته شده بود، امکان مطالعه‌ی معماری این محوطه مذهبی را برای اولین بار فراهم کرد (دوسو ۱۹۳۱، ۱۹۳۰. موترد ۱۹۳۰). آخرین ساختمان‌های مسکونی شخصی «مربوط به دوره‌ی عثمانی<sup>۳</sup>» که محراب را احاطه کرده بودند در سال ۱۹۱۴ برداشته شدند (بونی و سالیبی ۱۹۶۵: ۱۲۱). امی، سیریک و ویل (۱۹۷۵: ۱۵۷-۶۰) در کتاب خود که به بررسی محراب اختصاص دارد، وجود نقاشی‌هایی را بر دیوار شرقی معبد به صورت مستند نشان داده‌اند. این نقاشی تصویر حضرت عیسی را در میان فرشتگان نشان می‌دهد. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که در قرن پنجم این خانه به کلیسا تبدیل شده است. بررسی کتیبه‌ها که توسط «کانتینو» در ابتدای این دهه منتشر

<sup>2</sup> Académie des Inscriptions et Belle-Lettres

<sup>3</sup> De l'époque ottomane

شد، با آشکار کردن شواهد بسیار، مانند کتیبه‌ای که به عنوان یادبود برای ساخت حمام دیوکلتیان در مرکز شهر توسط فرماندار فینیقیه لبنان، یعنی سوسیانوس هیروکلیوس نصب شده بود، به این بحث کمک کرد (Inv. 6, 7, n. 2 = IGLS 17.1, 112-14, n. 100). در واقع، همین کتیبه بود که سیریک را وادار کرد تا بگوید: «گزارش‌های مربوط به تخریب پالمیرا توسط اورلیان، معمولاً بیش از حد درگیر اغراق شده است. در واقع، کاهش جمعیت در این شهر تدریجی بود<sup>۴</sup>» (سیدی ۱۹۳۱: ۳۲۳). کانتینو این ایده را به صورت افراطی در چند سال بعد نوشت: «ابتدا در پایان دوران بیزانس، پالمیرا به همان شکلی که قبل از سال ۲۷۲ بود باقی ماند. یعنی همچنان یک شهر بزرگ بود<sup>۵</sup>» (کانتینو ۱۹۳۴: ۶). همین نویسنده در «گوشی عربی پالمیرا<sup>۶</sup>» ترجیح می‌دهد موضعی درباره‌ی انحطاط فرضی این شهر در اوایل دوره‌ی اسلامی اتخاذ نکند. احتمالاً این امر به مباحث مطرح شده توسط «پیرن» و تحقیقات گریم ارتباط دارد (کانتینو ۱۹۳۴: ۷). برخلاف مطالعات مربوط به اواخر دوران باستان، موارد مربوط به پالمیرا در دوره‌ی اسلامی، در نیمه اول قرن بیستم به بررسی تعداد بسیار کمی از آثار معرفی شده بر روی ۴ کتیبه‌ی عربی قرون وسطایی (هوارت ۱۹۲۹. ساواجت ۱۹۳۱) و باروها محدود شد (سیریک ۱۹۵۰).

با وجود این، ایده‌ی افول و رها شدن پالمیرا پس از سال ۲۷۳، تقریباً ثابت باقی ماند و علاقه به این موضوع به تدریج کاهش یافت. در تحقیقات کلی استارکی درباره‌ی پالمیرا که به صورت مجموعه‌های «مشرق باستانی مصور<sup>۷</sup>» منتشر شده است، روایت مرحله‌ی بعد از زینب برای این شهر، به شکل یک پایان کوتاه رد شده است (استارکی ۱۹۵۲: ۶۶-۸). انتشار کتاب «شمال غربی پالمیرا<sup>۸</sup>» در سال ۱۹۵۱ توسط شلمبرگر، نمونه‌ی بارز دیگری از این گرایش است. این کار، نتایج تحقیقات میدانی انجام شده در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۵ در ۱۸ سایت باستان‌شناسی در مناطق داخلی شهر را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده به طور قاطع می‌گوید: «از دوران پس از سقوط پالمیرا آثار بسیار ضعیفی به

<sup>۴</sup> «on à généralement pris trop à la lettre les rapports sur la destruction de Palmyre par Aurélien. En réalité, la depopulation ne fut pas immédiate ...»

<sup>۵</sup> d'abord à la fin de l'époque romaine et à l'époque byzantine, Palmyre est restée ce quelle était avant 272, c'est à dire une grande ville

<sup>۶</sup> *Le dialecte arabe de Palmyre*

<sup>۷</sup> *Orient Ancient Illustré*

<sup>۸</sup> *La Palmyrene du Nord-Ouest*

جامانده است. پایان ناگهانی عظمت پالمیرا قطعاً پایان شکوفایی این منطقه را نشان می‌دهد<sup>۹</sup> (شلمبرگر ۱۹۵۱: ۱۳۳).

سال ۱۹۵۹ آغاز کاوش‌ها در اردوگاه دیوکلتیان توسط تیم لهستانی به مدیریت «میچالوفسکی» و توجه به آخرین مراحل سکونت در این شهر بود (میچالوفسکی ۱۹۶۰: a). میچالوفسکی و گروهش برای اولین بار به طور سیستماتیک تلفیق بیزانسی و عربی را در محیط تاریخی به صورت مستند نشان دادند و غیر مستقیم ادعا کردند که تحقیقات باستان‌شناسی جامع‌تری لازم است و نباید صرفاً بر معماری چشمگیر دوران روم متمرکز شد. به نظر می‌رسد این محقق در گزارش‌های خود از قضاوت درباره‌ی اواخر دوران باستان و اوایل دوره اسلامی دوری کرده است. با این وجود، تنها چند سال بعد، او با نادیده‌گرفتن تاریخ شهر بعد از دوره‌ی دیوکلتیان از عنوان «صرفاً محلی» استفاده کرده و ایده‌های خود را بیان کرده است (میچالوفسکی ۱۹۷۰: ۸). این توجه تازه به بقایای بعد از دوران روم، از خواندن گزارش‌های ارائه شده از حفاری‌های معبد بعلمشمن توسط کولارت و گروهش مشهود است. این پژوهش بیشتر بر ترکیب مذهبی شهر متمرکز است اما از توصیف‌های مختصر بقایای دوران بعد هم صرف نظر نکرده است (کولارت و ویکاری ۱۹۶۹: ۸۴-۶). به طور خاص، این پژوهش بر چند سازه که معبد و حیاط شمالی آن را اشغال کرده است (به ترتیب به عنوان کلیسا و یک ساختمان مسکونی شخصی) متمرکز شده است.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، داده‌های جمع‌آوری شده بسیار چشمگیر بود. چهار کلیسا در داخل شهر کشف شدند: دو کلیسا در محله‌ی شمال غربی، یک کلیسا در معبد بل و کلیسای فرضی در معبد بعلمشمن. حفاری‌ها در اردوگاه دیوکلتیان، گذرگاه ستون بزرگ (بونی و سالیبی ۱۹۶۵)، گورستان در باغ موزه‌ی باستان‌شناسی (الاسعد ۱۹۶۷، ۱۹۶۸). الاسعد و اویرچتسبرگر ۱۹۸۷: ۱۳۷-۴۶) و معابد بعلمشمن و نبو (بونی ۲۰۰۴، ۱۹۹۰). بونی و همکارانش (۱۹۹۲) منجر به کشف سازه‌های بعدی در سطح فوقانی بقایای دوران روم و کتیبه‌های تدفین شد که همگی دلیل انکار ناپذیری از اشغال مستمر این مکان در سراسر دوران باستان و اوایل دوره‌ی اسلامی بود. در آن زمان، نتایجی که توسط «وان برچم»

<sup>۹</sup> '... les époques posterieures à la chute de Palmyre n'ont laissé ells-mêmes que de tres faibles traces... La fin brutale de la grandeur de Palmyre marque certainement aussi la fin de la prospérité de notre région

(۱۹۵۴) درباره‌ی گاه‌شماری دیوکلتیانوسی برای باروهای پالمیرا ارائه شد، از قبل توسط جوامع تحقیقاتی پذیرفته شده بود. موضع اکثر محققان درباره‌ی ویرانی کامل پالمیرا در سال ۲۷۳، در مقاله‌ی «ویل» که در سال ۱۹۶۶ منتشر شده است، به صورت خلاصه ارائه شد. نویسنده پس از جمع‌آوری داده‌های باستان‌شناسی در پروپوزال خود، نتیجه گرفته است که: «اگرچه هنوز می‌بینیم که برخی معتقدند پالمیرا از اواخر قرن سوم میلادی به اندازه‌ی یک شهر ساده کوچک شد - که امروزه شهری بی‌دفاع به نظر می‌رسد - اما این شهر تا روزهای اول فتح اعراب کم و بیش از رونق شرافتمندانه‌ای برخوردار بوده است»<sup>۱۰</sup> (ویل ۱۹۶۶: ۱۴۷۱۱. ۱۹۸۳: ۸۱).

این نتایج در دهه‌های بعد تغییر نکرد. «کراچ» (۴۱:۵۱۹۷۵) در مبحث گاه‌شماری باروها در سال ۱۹۷۵ استدلال کرد: «ما باید توجه داشته باشیم که غارت پالمیرا توسط سربازاران اورلیانی حادثه‌ای تکان‌دهنده بود که پس از آن شهر هرگز نتوانست دوباره ترمیم شود. ممکن است این حادثه برای مردمان آن زمان مهم بوده باشد، اما قطعاً پایان زندگی نبود». بررسی‌های باستان‌شناسی بعدی این موضع را کاملاً تایید کرد. تیم لهستانی بعد از حفاری در جاده پراتوریا<sup>۱۱</sup> و پرنسیپا<sup>۱۲</sup> در اردوگاه دیوکلتیان، در سال ۱۹۷۴ کارشان را در معبد آلا<sup>۱۳</sup> آغاز کردند. کار میدانی در این بخش در سال ۱۹۷۹ به پایان رسید و نه تنها درک بهتری از این مجموعه مذهبی ایجاد کرد، بلکه تکامل زمانی مراحل تخریب و رها شدن آن در پایان قرن چهارم را نیز به خوبی تعریف کرد. اعتقاد بر این است که این تخریب‌ها مربوط به اقدامات ضد بت‌پرستی تئودورسیس<sup>۱۴</sup> و همچنین دیدار ماتریانوس سینیگیوس<sup>۱۵</sup> از شهر بوده است (گاسووسکا ۱۹۸۲). در پایان دهه ۱۹۷۰، به طور کلی پذیرفته شد که حوادث اورلیانی آغاز مرحله‌ی رهاشدن نبوده است. کاوش‌ها به تعریف نقش تغییر یافته‌ی پالمیرا در اواخر دوران باستان از یک شهر کاروانسرای به یک منطقه‌ی

<sup>10</sup> *que Palmyre ait été réduit dès la fin du IIIe siècle au rang d'une simple bourge paraît aujourd'hui tout à fait insoutenable, bien que la chose s'imprime encore à l'occasion. La ville connut une survie plus ou moins honorable jusque dans les premiers temps de la conquête arabe*

<sup>11</sup> Praetoria

<sup>12</sup> Principia

<sup>13</sup> Sanctuary of Allāth

<sup>14</sup> Theodosius

<sup>15</sup> Maternus Cynegius



نظامی کمک کرد (برای مثال گرابار و همکارانش ۱۹۷۸: ۵). همچنین، اطلاعات فراهم آمده توسط منابع مکتوب باستانی که حقیقت آن‌ها تا آن زمان از طریق تحقیقات باستان‌شناسی کشف نشده بود نیز به خوبی اصلاح شد.

اگرچه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شاهد افزایش تدریجی علاقمندی‌ها به اواخر دوران باستان در این شهر بودیم، در دو دهه‌ی بعدی، نگرش مثبت و جدیدی نسبت به بقایای اوایل دوره‌ی اسلامی پدید آمد. در سال ۱۹۷۷، محققان کشور سوریه به مدیریت آ. و م. طاه‌ها، پاکسازی بخش غربی گذرگاه ستون بزرگ (بخش C) را آغاز کردند. این حفاری‌ها بخشی از یک پروژه‌ی بزرگ‌تر بود که توسط محققان سوری در اواخر دهه ۱۹۵۰ در مرکز پالمیرا آغاز شد (بونی ۱۹۶۷. ۱۹۷۱. ۱۹۹۵) و تا سال ۱۹۸۴ ادامه داشت. در این پروژه، ۴۷ اتاق کوچک در جاده کالسکه‌رو کشف شد. کشف این بقایا توجه تیم لهستانی را به خود جلب کرد. آن‌ها در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ چندین گمانه زنی انجام دادند و قدمت سازه‌ها بین اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم تعیین شد (الاسعد و استپینوفسکی ۱۹۸۹). کشف سوق بنی‌امیه به هماهنگی این سکونت‌گاه با بحث‌های علمی جاری که قبلاً کنار گذاشته شده بودند، کمک کرد. برای حمایت از نظریه‌های مطرح شده توسط ساواژه در حدود ۵۰ سال قبل درباره‌ی فروپاشی پلان این شهر کلاسیک در دوره‌ی اسلامی، وجود سوق به عنوان شاهده‌ی تلقی می‌شد و این نظریه‌ها ابتدا در لاتیقیه (ساواژه ۱۹۳۴) و سپس در حلب (ساواژه ۱۹۴۱) به کار گرفته شد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، تحقیقات باستان‌شناسی این سایت به میزان قابل‌توجهی افزایش یافت. کاوش‌ها توسط گروه‌های باستان‌شناسی بین‌المللی همراه با محققان اداره‌ی کل آثار باستانی و موزه‌ها (DGAM) انجام شدند. در اواسط دهه ۱۹۸۰، گروه سوری - لهستانی که همیشه به مرحله‌ی بعد از روم باستان در این شهر علاقه نشان داده بودند، تحقیقات خود را در محله‌ی شمال غربی شهر به سرپرستی گاولیکوفسکی آغاز کردند. این ناحیه که در خارج از محوطه‌ی تحقیقاتی گابریل بود، در گذشته کاملاً ناشناخته باقی مانده بود. کاوش‌های این بخش، دو کلیسا به همراه ساختمان‌های متصل به آن و یک خانه‌ی بلوکی بزرگ را نمایان کرد. کاوش‌های گروه سوری - لهستانی کمک زیادی به شناسایی و وضوح اطلاعات مربوط به دو بنای کلیسایی که توسط گابریل در همان ابتدای قرن شناسایی شده بود، کرد. با توجه به این‌که فعالیت‌های ساختمانی در قرن ششم عمدتاً بر

روی کلیساها متمرکز شد، به نظر می‌رسد که این خانه‌ی کشف شده از زمان رومیان تا اوایل دوره‌ی اسلامی اشغال شده بود (مرور اجمالی توسط گاولیکوفسکی ۱۹۹۷. a. ۲۰۰۱. به فصل ۳ مراجعه کنید). بررسی‌های انجام شده توسط «مچچرک» در سال ۲۰۰۵، در داخل دیوارهای شهر با کشف سه کلیسای دیگر در امتداد گذرگاه ستون بزرگ همراه بود که عجاتاً به دوره‌ی سلطنت ژوستینیانوس<sup>۱۶</sup> نسبت داده می‌شود. اخیراً در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰، یک تیم سوری-ایتالیایی در محله‌ی جنوب شرقی فعالیت داشتند. پس از بررسی کل منطقه، این تیم مسیر فعالیت‌های خود را به سوی ساختمانی موسوم به پری استایل<sup>۱۷</sup> هدایت کرد. که قدمت فاز اولیه‌ی آن به پایان قرن دوم و ابتدای قرن سوم میلادی می‌رسد (گراسی ۲۰۰۹. a. ۲۰۰۹. b. ۲۰۱۰. ۲۰۱۱. ۲۰۱۲. گراسی و الاسعد ۲۰۱۳). با این حال، ظاهراً این سازه بعدها مرمت شده است. از جمله تغییرات اعمال شده بر آن می‌توان به تقسیم‌بندی اتاق‌های بزرگ به واحدهای کوچک‌تر و مسدود کردن گذرگاه‌ها و دیوارکشی بین ستون‌های حیاط اشاره کرد.

بررسی‌های تیم سوری-فرانسوی در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ در بازار حومه‌ی شهر نشان داد که زندگی در محله‌ی شمال غربی نیز تا اوایل دوره‌ی اسلامی ادامه داشت. این ساختمان که احتمالاً در زمان رومیان «بازاری سرپوشیده»<sup>۱۸</sup> بود، بعدها دچار تغییرات اساسی شد و بنای یاد بود دروازه‌ی ورودی، خانه‌هایی در بال غربی و یک گورستان در بال شرقی به آن اضافه شد. بررسی‌های باستان‌شناسی در دو برج U شکل مجاور آن که در کنار «دروازه‌ی دورا»<sup>۱۹</sup> (A305) در سمت شمال قرار دارد نیز انجام شد (دلپلاس ۲۰۰۶. ۲۰۰۷. ۲۰۱۳). کمی دورتر از بخش حفاری گروه سوری-فرانسوی، گروه سوری-سوئسی به سرپرستی جنگوارد، مسجدی را شناسایی کردند که بر روی یک سزارיום<sup>۲۰</sup> قدیمی و در کنار سوق اموی ساخته شده بود (جنگوارد ۲۰۰۸. a. ۲۰۰۹. ۱۸۹. ۲۰۱۰. ۲۰۱۱. ۲۰۱۲. ۵۲-۶۶. ۲۰۱۳). بررسی‌های قبلی جنگوارد (۲۰۱۲). به فصل ۲ مراجعه کنید) در داخل شهر پالمیرا که عمدتاً بر مطالعه‌ی اقامتگاه‌های اشرافی دوره‌ی امویان متمرکز بود، نشان می‌دهد که نظریه «شلمبرگر» درباره‌ی تخریب منطقه‌ی وسیعی از

<sup>16</sup> Justinian

<sup>17</sup> Peristyle Building

<sup>18</sup> macellum

<sup>19</sup> Dura Gate

<sup>20</sup> caesareum

پالمیرا بعد از فروپاشی حکومت زینب باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. به نظر می‌رسد، این نتایج به کمک تحقیقات اخیر در ناحیه‌ی شمال غربی پالمیرا که توسط تیم سوری-نروژی انجام شده است، تایید می‌شود (میر ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳).

گزارش‌های متعدد حفاری‌ها و ماهیت آن‌ها و همچنین رویکردهای جدیدی که در دهه ۱۹۸۰ اتخاذ شده بود و امروز هم همچنان ادامه دارند، سهم قابل توجهی در درک پالمیرای پس از روم داشته‌اند (برای مثال، الاسعد و روپرچتسرگر ۱۹۸۷، جنگوارد ۲۰۱۲: ۲۵-۶۷). هدف این تحقیقات، تحلیل و تفسیر مجدد شواهدی است که قبلاً آشکار شده بودند. سه اثر ارزشمند کوالسکی را می‌توان نمادی از این گرایش دانست. در سال ۱۹۹۴، کوالسکی نتایج منتشر نشده مربوط به حفاری در *پراتوریوم اردوگاه دیوکتیان* که در حفاری ۱۹۷۵-۱۹۷۶ در معبد آلاث کشف شده بود را در یک مقاله منتشر کرد. مقاله‌ای تحت عنوان «ارتباطات دمشق»<sup>۲۱</sup>، نتیجه‌گیری‌های کولارت و ویکاری را در سال ۱۹۶۹ اصلاح کرد و فرضیه‌ای که نشان می‌داد «بقایای موجود در معبد مقدس بعلمین که مربوط به اواخر دوران باستان است، در واقع متعلق به کلیسایی در قرن پنجم میلادی می‌باشد» را رد کرد. در سال ۱۹۹۷، کوالسکی در «مطالعات پالمیرا»<sup>۲۲</sup> بحثی را با عنوان «پالمیرا در اواخر دوران روم در تحقیقات و کتیبه‌ها» منتشر کرد که اولین تلاش سیستماتیک برای شناسایی تاریخچه‌ی شهر بعد از سال ۲۷۳ بود. این مقاله، ترکیبی از تحلیل منابع مکتوب و شواهد کتیبه‌ها است و به ناچار الهام بخش روش تحقیقاتی این کتاب نیز بوده است.

## شواهد در حال استفاده و حوزه‌ی آن

این کتاب علیرغم شباهت با اثر کوالسکی در روش‌شناسی، با تاکید بر اهمیت شواهد باستان‌شناسی که نمی‌توان آن‌ها را در ترسیم تاریخ پالمیرا در اواخر دوران باستان و اوایل دوره‌ی اسلامی نادیده گرفت، راهش را جدا کرده است. به طور خاص، شواهد

<sup>21</sup> *Damaszener Mitteilungen*

<sup>22</sup> *Studia Palmyrenskie*

باستان‌شناسی در این جا با توجه به جغرافیای گسترده‌ی منطقه‌ای تحلیل شده است تا بدانیم که آیا وضعیت پالمیرا با دیگر مراکز شهری هم عصر خود تفاوت داشت یا شبیه به آن‌ها بوده است. با این حال، تفسیر سه مجموعه داده‌های اصلی در این کتاب (یعنی باستان‌شناسی، منابع مکتوب باستانی و کتیبه‌ها) به طور کلی تحت تاثیر مجموعه گسترده‌ای از مشکلات قرار گرفته است که وجود آن‌ها باید از همان ابتدای تحقیقات مورد توجه قرار گیرد.

### باستان شناسی

سوابق باستان‌شناسی که در بخش قبل به اختصار به آن‌ها پرداخته شد، در ادامه‌ی کتاب به طور مفصل توضیح داده خواهند شد. در حال حاضر، کافی است که بگوییم اکثر شواهد معمولاً به صورت اشاره‌های کوتاه بیان خواهند شد. این شواهد از طریق گزارش‌های غیررسمی گسترده در مجلات یا مقالات کنفرانس‌ها مطرح شده‌اند. از آن جا که برخی از مناطق یا ساختمان‌ها بهتر از سایرین بررسی شده‌اند، انبوه داده‌های باستان‌شناسی توازن لازم را ندارند. بنابراین، فقدان شواهد لزوماً نشان‌دهنده‌ی مراحل افول یا رها شدن بخش‌های خاصی از این سایت‌ها نیست. بلکه در بیشتر موارد، این امر نشان‌دهنده‌ی ناقص ماندن تحقیقات است. بسیاری از شواهد باستان‌شناسی مربوط به اردوگاه دیوکلتیان و محله‌ی شمال غربی است که از اواخر دهه ۱۹۵۰ بررسی شدند. مناطق دیگر با شدت کمتری بررسی شده‌اند و یا به دلیل این که سازه‌های مدرن بر روی آن‌ها ساخته شده‌اند قابل بررسی نیستند. از آن جمله می‌توان به منطقه‌ی واحه اشاره کرد. البته برخی از مناطق مانند محله جنوب غربی اخیراً توجه جامعه‌ی علمی را به خود جلب کرده است. «علاقه به مبدا» می‌تواند فقدان داده‌های برخی مناطق را توضیح دهد. حفاری‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، لزوماً برخی شواهد را برای رسیدن به مراحل سکونت قبل از سال ۲۷۳ از بین برده‌اند و این امر درک ما را درباره‌ی توسعه‌ی برخی از ساختمان‌های خاص به خطر می‌اندازد.

ماهیت شواهد که اغلب شامل دیوارهای نازیبیا است و از مصالح دست دوم به دست آمده از ساختمان‌های با شکوه رومی ساخته شده‌اند، اغلب نتوانسته باستان‌شناسان را به خود جلب کنند. ممکن است مشکلاتی در تفسیر نقشه‌های منتشر شده وجود داشته باشد که دلیل آن مرزهای ناواضح بین ساختمان‌ها یا پدیده‌های خاصی مانند مسدود شدن گذرگاه‌ها است و به همین دلیل شایسته‌ی مستند سازی نیستند. تا جایی که به گاه‌شماری مربوط به می‌شود، مهم است که بر درجه‌ی بالای عدم قطعیت مربوط به برخی از شواهد تاکید شود. این امر به طور خاص، درباره‌ی گزارش‌های قدیمی که دارای برچسب‌های زمانی در بازه‌ای بسیار گسترده‌تر هستند صادق است. (بیزانس، اواخر دوران باستان، دوره‌ی اسلامی، عربی). در واقع، در اغلب موارد، معیار اصلی برای تعیین قدمت یک ساختمان، بر پیوندهای شکننده‌ی آن با منابع مکتوب استوار است. توالی‌های چینه‌شناسی بسیار پراکنده هستند. مطالعات گونه‌شناسی درباره‌ی موادی مانند سفال یا شیشه وجود ندارد. تحلیل‌های علمی تاریخ‌نگاری، حتی اگر انجام شده باشند تاکنون منتشر نشده‌اند (برای مثال، تاریخ-نگاری رادیوکربن).

برای اهداف این کتاب، برخی شکاف‌های موجود در اسناد برخی از ویژگی‌های باستان‌شناسی منتشر شده باید به داده‌های منتشر نشده (به ویژه مطالب بایگانی شده) متصل شوند. مهمترین داده‌های ارائه شده از «مرکز اسناد تاریخ هنر بیزانس در ساپینزا، دانشگاه رم»<sup>۲۳</sup> گرد آوری شده‌اند. بایگانی دانشگاه رم تعداد قابل توجهی از عکس‌های مافی و همکارانش از پالمیرا را در اختیار دارد که این تصاویر در دو تحقیق میدانی در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ مستند شده‌اند. هدف اصلی این تحقیقات دیوارهای شهر پالمیرا بود. اهمیت مستند سازی این مطالب بایگانی شده را نباید دست کم گرفت. تصاویر ثبت شده توسط مافی، دیوارهای شهر را پیش از مرمت‌های اخیر توسط مقامات سوری نشان می‌دهد که بر خوانایی ساختار دیوار تاثیر زیادی گذاشته است.

<sup>23</sup> Centro di Documentazione di Storia dell'Arte Bizantina at Sapienza, Università di Roma

## منابع مکتوب

منابع مکتوب غنای خوبی به مجموعه داده‌های باستان‌شناسی افزوده است (به ضمیمه مراجعه کنید). ماهیت این منابع در اواخر دوران باستان بسیار متنوع است. مذهب، جزئی از تاریخ این شهر است که به طور کلی برجسته‌تر از سایر عوامل نشان داده شده است. میکائیل سوری<sup>۲۴</sup> که در ۱۱۲۶-۱۱۹۹ میلادی می‌زیست، و «شرح تاریخ زقنین»<sup>۲۵</sup> (۳،۱۹) که مربوط به ربع آخر قرن هشتم است، ارزشمندترین مورخان سریانی هستند که نام تعدادی از اسقف‌های شورای نیکیه (۳۲۵) را تا اوایل قرن نهم ثبت کرده‌اند. یک *انجامه*<sup>۲۶</sup> در یک نسخه خطی که در موزه‌ی بریتانیا (اواسط قرن ششم میلادی) و در صومعه‌ای نزدیک پالمیرا نوشته شده است، مجموعه متون سریانی که قبلاً ترجمه شده‌اند را کامل می‌کند (رایت ۱۸۷۲: ۲،۴۶۸. شماره ۵۸۵). اطلاعات بیشتر درباره‌ی نام اسقف‌ها و به طور کلی اهمیت پالمیرا به عنوان یک مرکز انتشار مسیحیت در مقایسه با سایر سکونت گاه‌ها را می‌توانید از «اطلاعات انطاکیه»<sup>۲۷</sup> که توسط پاتریارک آناستاسیون<sup>۲۸</sup> (متوفی ۵۷۰) گردآوری شده است و همچنین اطلاعات گردآوری شده در کاوش‌های قرن ۱۸ مانند آثار لوکواين (۱۷۴۰: ۲،۴۸۵) و مانسی (۱۷۶۲: ۹۲۱) به دست آورید.

در موارد مربوط به اسناد اداری، تردیدهای زیادی وجود ندارد. «اعلامیه افتخارت»<sup>۲۹</sup> (۲۲،۳۰) که مربوط به قرن چهارم است، گزارش می‌دهد که این شهر پایگاه فرمانده یگان اول ایلکیبریوم<sup>۳۰</sup> بوده است. در این گزارش درباره‌ی حضور نیروهای کمکی برای پالمیرا نیز مطالبی نوشته شده است (Not. Dig., Or., 7.34; 31.49) نام این شهر در بیشتر فهرست‌های هیروکلیوس (Synec., 717.1-8) مربوط به اوایل قرن ششم، جورج قبرسی<sup>۳۱</sup> مربوط به اوایل قرن هفتم و *استفانوس بیزانسی*<sup>۳۲</sup> مربوط به قرن ششم آمده است.

<sup>24</sup> Michael the Syrian (*Chr.*, 3.453; 7.2; 9.13; 11.3)

<sup>25</sup> *Chronicle of Zuqnin* (3.19)

<sup>26</sup> colophon

<sup>27</sup> *Notitia Antiochena*

<sup>28</sup> patriarch Anastasius

<sup>29</sup> *Notitia Dignitatum*

<sup>30</sup> *Legio I Illyricorum*

<sup>31</sup> George of Cyprus (*Descr. Orb. Rom.*, 984-996)

<sup>32</sup> Stephanus of Byzantium (*Ethnika*, II 6)

تصویری که پالمیرا را در لوح پیتینگر<sup>۳۳</sup> (بخش ۱۰ - ۱۱) نشان می‌دهد، یک تابلوی سفر-نامه‌ای مربوط به قرن چهارم است و این سکونت‌گاه را جایگاه مهمی از مسیر دمشق می‌داند و به طور کلی، شناخت کلی ارائه شده توسط این اسناد اداری را تایید می‌کند.

علاوه بر این‌ها، گزارشات توصیفی دیگری هم وجود دارد. اگرچه آن‌ها مطمئناً بینش ارزشمندی درباره‌ی تاریخ شهر ارائه می‌دهند، اما باید با احتیاط درباره‌ی آن‌ها صحبت کرد زیرا گاهی با اطلاعات منابع دیگر یا سوابق باستان‌شناسی مطابقت ندارند و در بیشتر موارد، مدت‌ها بعد از بروز حوادث ثبت شده‌اند. نویسنده‌ی «تاریخ آگوستا»، ویتای اورلیانی<sup>۳۴</sup>، احتمالاً اندکی بعد از مرگ تئودوسیوس این کتاب را نوشته است و کتاب «داستان جدید» اثر زوسیموس<sup>۳۵</sup> در اوایل قرن ششم نوشته شده است. هر دوی این‌ها، گزارش‌هایی از تسخیر مجدد شهر توسط اورلیانی‌ها در سال ۲۷۳ ارائه می‌دهند اما اختلافات قابل توجهی در آن‌ها مشاهده می‌شود. حوادث قرن پنجم تنها در چند بخش از گفتگوهای جان کریستوم<sup>۳۶</sup> دیده می‌شود که در حدود سال ۴۰۸ توسط پالادیوس غلاطیه<sup>۳۷</sup> (حدود ۳۶۳-۴۳۱) و همچنین در بخش‌هایی از زندگی اسکندر اهل آکویمتس<sup>۳۸</sup> در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم نوشته شده است. در این کتاب، داستان تبعید کوریاکوس به پالمیرا آمده است. ذکر نام پالمیرا در هشت کیلومترشمار در مسیر امساء (حمص امروزی. حدود ۱۴۵ کیلومتری پالمیرا) نشان می‌دهد که نویسنده احتمالاً مانند بسیاری از مواردی که ذکر شد هرگز این شهر را ندیده است. قسمتی از زندگی‌نامه‌ی اسکندر اهل آکویمتس، شامل شرح بی‌رحمانه‌ای از وضعیت ساکنان پالمیراست که تقریباً در آستانه‌ی گرسنگی هستند.

نوسازی این شهر در دوره‌ی ژوستینیانوس توسط پروکوپیوس (Aed., 2.11, 10-12) در قرن ششم توسط مالالاس (Chr., 17.2) که در حدود سال‌های ۴۹۱-۵۷۸ میلادی می‌زیست و تئوفان (Chr., 1.174) که در سال‌های ۷۵۹/۷۶۰ - ۸۱۸ میلادی

<sup>33</sup> *Tabula Peutingeriana*

<sup>34</sup> *Historia Augusta, Vita Aureliani* (31.5-9)

<sup>35</sup> *Zosimus' Historia Nova* (1.60-1)

<sup>36</sup> *John Chrysostom (Pall., Dial. John Chris., 20.35-8)*

<sup>37</sup> *Palladius of Galatia*

<sup>38</sup> *Life of Alexander the Akoimētes (Alex. Akoim., 35)*

زندگی می‌کرد، گزارش شده است. گرایش کلی پروکوپئوس برای چپلوسی نسبت به امپراتور کاملاً مشهور است و بنابراین، خواننده باید مراقب باشد (کامرون ۱۹۸۵: ۱۲-۱۳). در واقع، برخی از اطلاعات در نوشته‌های او با آثار هم عصرش مانند نوشته‌های مالالاس و تئوفان مطابقت ندارد. منابعی که وقایع قرن هفتم را توضیح داده باشند زیاد نیستند. دو مورخ عرب زبان به نام‌های حمزه الاصفهانی<sup>۳۹</sup> (تاریخ ۱۲۱) که در حدود سال ۸۹۳-۹۶۱ میلادی می‌زیست و *ابوالفداء*<sup>۴۰</sup> (تقویم البلدان ۱۲۸-۳۰) که در حدود ۱۲۷۳-۱۳۳۲ میلادی می‌زیست، حاکم شهر را *الحیم بن جبلة* ثبت کرده‌اند. در گزارش زندگی سنت *آناستاسیوس*<sup>۴۱</sup> که در اوایل دهه ۶۳۰ میلادی نوشته شده است، نیز از پالمیرا یاد شده و ادعا می‌شود که جسد این مرد بزرگ از طریق این شهر به اورشلیم برده شد و در آن جا مرد جوان و نابینایی را شفا داد.

هیچ سندی از تصرف کوتاه مدت پارسیان در این شهر وجود ندارد. در صورتی که منابع تاریخ امویان درباره‌ی این مکان، که به زبان عربی نوشته شده‌اند، این دوره را به خوبی گزارش کرده‌اند. بیشتر افرادی که درباره‌ی سرنوشت پالمیرا در اوایل دوره‌ی اسلامی مطالبی نوشته‌اند، مورخان، زندگی‌نامه‌نویسان، جغرافی‌دانان و شاعرانی هستند که هیچ کدام همزمان با وقایع نقل شده نمی‌زیسته‌اند. به نظر می‌رسد فتح شهر توسط *خالد بن ولید* در سال ۶۳۴، مهم‌ترین بخش تاریخ این شهر باشد. *الوقدی* (المغازی ۱،۴۴) که در سال‌های ۷۴۷/۷۴۸-۸۲۲ میلادی می‌زیست، و *ابن‌عثم/لکوفی* (کتاب ۱،۱۴۰-۲) که در قرن ۸ و ۹ میلادی می‌زیست، طولانی‌ترین گزارش‌های این فتح را ارائه کرده‌اند. برعکس، *البلدنی* (فتوح ۱۱۱-۱۲) نویسنده‌ی گزارش مشهوری از فتح اسلامی شام، براساس منابع پیشین در سال ۸۹۲ و *الطبری* (التاریخ ۱،۲۱۰۹) که در سال‌های ۸۳۹-۹۲۳ میلادی می‌زیست، تاریخچه‌ای به یاد ماندنی از زمان ساخته شدن شهر تا سال ۹۱۵ میلادی را روایت کرده‌اند. اما حادثه‌ی فتح شهر را بسیار مختصر بیان کرده‌اند. نویسندگان دیگری که این رویدادها را ثبت کرده‌اند شامل *الاصفوری* (تاریخ ۱،۱۰۳)، متوفی ۸۵۴، *الیعقوبی* (تاریخ ۲،۱۳۴) قرن نهم، *ابن‌الفقیه* (مختصر ۱۲۵) قرن نهم، *ابن‌عساکر* (تاریخ ۲،۸۰) از ۱۱۷۵-۱۱۷۶ و *یاقوت حموی* (معجم ۱،۸۳۲) از ۱۱۷۹-۱۲۲۹ بودند.

<sup>39</sup> Hamza al-Isfahānī

<sup>40</sup> Abū al-Fidā

<sup>41</sup> St Anastasius (*Anas.Per.*, 1.102-4, 129-30)



تاریخ پالمیرا در زمان امویان، به غیر از گزارش‌های مربوط به تصرف آن شهر، همان‌طور که در منابع مکتوب عربی گزارش شده است، عمدتاً مبتنی بر دخالت این شهر در دو رویداد مهم تاریخی بوده است. اولین رویداد، مقدمه‌ی جنگ مرج راهیت<sup>۴۲</sup> (۶۸۴) است که الطبری (التاریخ ۷،۴۸۲)، ابن‌عساکر (تاریخ ۵۵،۲۶۱) و ابن‌الاثیر (الکامل ۴،۱۲۵) ۱۱۶۰-۱۲۳۳، آن را نقل کرده‌اند. پیامدهای سیاسی طولانی مدت این نبرد که شامل درگیری‌های درون قبیله‌ای بین قبیله‌ی شکست خورده‌ی قیس (عمدتاً بنی‌عمیر و بنی‌سلیمان) و یمنی‌ها (بنی‌کلب) است، توسط الاصفهانی (الاقانی ۱۷،۱۱۲- ۱۳-۱۰، ۱۲۰-۲۲) که در ۸۹۷-۹۹۷ میلادی می‌زیست در دو بخش نقل شده است. دومین رویداد، شورش ثابت بن نعیم علیه مروان بن محمد (۷۴۵) است که الحمدانی در قرن دهم نیز از آن یاد کرده است و با ادعای تخریب دیوار شهر به پایان رسید (الطبری). التاریخ ۹،۱۸۹۲-۳، ۱۸۹۵-۱۸۹۶. ابن‌عساکر. تاریخ ۱۷،۳۲۶-۱۹،۸۰۰. ابن‌الفقیه. مختصر ۱۱۰. یاقوت. معجم ۱،۸۹۲. الحمدانی. الکلیل (۱۲۴).

نام این شهر در بخش‌های دیگری مانند نبرد بین الضحاک بن قیس و حجر بن عدی‌الکندی که در طول فتنه اول در شهر یا نزدیک آن (۶۵۶-۶۶۱ میلادی) رخ داد، نوشته شده است (الطبری). التاریخ ۶،۳۴۴۷. ابن‌اثیر. الکامل ۳،۳۱۷). نمونه‌ی دیگر، تصمیم خلیفه ولید بن یزید (۷۴۳-۷۴۴) برای پناه بردن به البخراء برای فرار از دست بزید بن ولید غاصب و مرگ او است که در قرن پنجم میلادی توسط آگاپیوس (کتاب ۵۱۱-۵۱۲) نوشته شده است (به الطبری). التاریخ ۹،۱۷۹۶. الصفوری. التاریخ ۲،۵۴۸. ابن‌عساکر. تاریخ ۶۳،۳۳۷-۳۳۸،۳۴۵. مراجعه کنید). منابع زیادی از نویسندگان غیرعرب باقی نمانده است. تئوفان که به زبان یونانی می‌نوشت به جنگ بین سلیمان بن هشام و خلیفه مروان بن محمد و فرار سلیمان به ایران از طریق پالمیرا اشاره کرده است. این درگیری بیشتر توسط نویسندگان ای ناشناس (در تواریخ ۱۲۳۴) که در ربع اول قرن ۱۳ به زبان سریانی می‌نوشت (Chron. 1234, 321-2) گزارش داده شده است. شرح وقایع بعدی پالمیرا را به صورت جزئی می‌توان در آثار جغرافی‌دانانی مانند المقدسی (احسان ۱۵۸-۶۰) که در قرن دهم می‌زیست، المسعودی (مروج ۱،۱۹۰. ۴،۷۷-۸) که از ۸۹۳-۹۵۶ می‌زیست و المشقی (کتاب ۳۹) متوفی ۱۳۲۷ میلادی، یافت. اثر صفی‌الدین، متوفی ۱۳۳۸ میلادی، مرثیه

<sup>42</sup> Marj Rāhit

الاتطیله العالمکینه و البیقاء، که در آن‌ها به پالمیرا اشاره شده است (۱،۲۰۰)، خلاصه‌ای از کتاب معجم‌البلدان یا قوت حموی می باشد (گیلیوت ۲۸۸:۲۰۵). به طور کلی، عاقلانه‌تر این است که با احتیاط درباره‌ی منابع مکتوب فکر کنیم. اکثر نویسندگان باستانی که درباره‌ی سرنوشت شهر قبل از فتح مسلمانان گزارش‌هایی نوشته‌اند، به احتمال زیاد هرگز شهر را ندیده‌اند زیرا تضاد موجود در اطلاعات ارائه شده توسط منابع مکتوب آن زمان بسیار کم است و حتی در موارد خاص، این اطلاعات به منظور چاپلوسی و تجلیل از امپراتور دستخوش تغییر شده است. ابعاد مذهبی در این منابع بسیار مورد تاکید قرار گرفته‌اند. همان طور که در منابع مکتوب دیده می شود، تاریخ پالمیرا در اواخر دوران باستان اغلب شامل تاریخ مسیحیت است و فضای کمی برای اقلیت‌های مذهبی فراهم آمده است اما به طور کلی، شواهد درباره‌ی حضور اقلیت‌های مذهبی وجود دارد. منابع مکتوب مربوط به اوایل دوره‌ی اسلامی، عمدتاً به دلیل تکرار فراوان اطلاعاتی که مشخصه‌ی تاریخ نگارانه‌ی آن‌ها زمان است، متمایز هستند. نویسندگان ممکن است به دلایل خاص، از یک حادثه‌ی تاریخی نسخه‌های متفاوتی ثبت کرده باشند و یا اطلاعاتی را به آن اضافه کرده باشند که صحت آن‌ها باید با دقت بررسی شود. به نظر می‌رسد، برخی وقایع مانند فتح شهر در سال ۶۳۴ میلادی، محبوب‌تر از وقایع دیگر بوده است. از آن جا که تاریخ پالمیرا در منابع مکتوب عربی از دیدگاه گروه فاتح نوشته شده است، ممکن است برخی از اطلاعات برای برجسته کردن اقدامات مسلمانان بر علیه رومیان، به عمد این گونه نوشته شده باشد. به هر حال، به نظر می‌رسد هم در منابع مکتوب اواخر دوران باستان و هم در دوره‌ی اسلامی، عناصر داستانی زیاد هستند. تفکیک حقایق از وقایع ثبت شده، موضوعی است که می‌توان آن را بدون مشکل با قرار دادن منابع مکتوب در کنار شواهد باستان شناسی حقیقت سنجی کرد.

## علم کتبه خوانی

کتبه‌های سنگی در اواخر دوران باستان و اوایل دوره‌ی اسلامی در مقایسه با نمونه‌های دوران روم بسیار کمتر هستند. در آخرین فهرست منتشر شده توسط یون، کتبه‌های مربوط به اواخر دوران باستان که در این شهر کشف شده‌اند، ۳۵ مورد از ۲۶۰

مورد هستند (IGLS 17.1, 495-496). کاهش نسبی تعداد کتیبه‌ها به تغییر عادت کتیبه-نویسی مربوط می‌شود و به معنای زوال ثروت در شهر نیست (جنگوارد ۲۰۱۲: ۲۵). در مجموع، اطلاعات ۵۴ کتیبه سنگی برای این کتاب جمع‌آوری شد. اغلب این کتیبه‌ها موارد گردآوری شده در تحقیقات یون و چند مورد از کتیبه‌های یافت شده در خود شهر و مکان-های مجاور آن است. به جز دو نمونه از کتیبه‌ها (Inv. 9, 51, n. 39; Ins. Jud. Or. 3, Syr., 75-6, n. 48)، بقیه مربوط به اواخر دوران باستان هستند. اگر تاریخی درون خود کتیبه درج نشده باشد، بازه‌ی زمانی برای تاریخ‌نگاری آن تا یک قرن گسترده خواهد بود. محتوای کتیبه‌ها متنوع است. اما اکثر آن‌ها درباره‌ی تشییع جنازه هستند. کیفیت کتیبه‌ها معمولاً مناسب نیست و اغلب حروفی هستند که در یک ردیف حک شده‌اند. تعدادی از کتیبه‌ها درباره‌ی ساخت یا بازسازی ساختمان‌های خاص هستند. وقف‌های مذهبی تا قبل از شکوفایی مسیحیت رواج کمتری داشت اما بعدها به صورت دیوارنگاری ثبت شد.

خط و زبان آخرین کتیبه‌های سنگی، آرامی هستند و به تاریخ ۲۷۹-۲۸۰ میلادی مربوط می‌شوند (الاسعد و گاولیکوفسکی ۱۹۸۶-۱۹۸۷: ۱۶۷-۸. شماره ۸. contra IGLS 17.1, 96, n. 81 [179/180]; inscr. n. 7 IGLS 17.1, 95, n. 80 ۱۶۷: ۱۹۸۷-۱۹۸۶). همچنین ممکن است مربوط به همان تاریخ باشد. هارتمن ۲۰۱۶: ۶۹. شماره ۷) کتیبه‌های دوزبانه نیز پس از این تاریخ ناپدید شدند (اما به IGLS 17.1, 114, n. 100 مراجعه کنید). تعداد کمی کتیبه به زبان لاتین هستند مانند کتیبه‌ای که برای ساختن اردوگاه دیوکلتیان نوشته شده است (IGLS 17.1, 132-3, n. 121) و معمولاً ماهیت رسمی دارند. یک دیوارنگاری به زبان عربی (Inv. 9, 51, n. 39) و ۵ دیوارنگاری به خط عبری (Ins. Jud. Or. 3, Syr., 70-6, n. 44-8) نیز یافت شدند. بقیه‌ی موارد از تقدیر برای ساخت و یا بازسازی حمام دیوکلتیان (IGLS 17.1, 112-114, n. 100) گرفته تا دیوارنگاره‌هایی که توسط رهگذران مسیحی در امتداد گذرگاه ستون بزرگ (e.g., IGLS 17.1, 117, n. 105) نوشته شده است، به خط یونانی هستند.

از روی کتیبه‌های سفالی جمع‌آوری شده از شهر می‌توان بینش خوبی به دست آورد اما محققان مدرن این منبع بالقوه اطلاعاتی را دست‌کم گرفته‌اند. اهمیت آن‌ها را نباید فراموش کرد. اکتشافات کتیبه‌ای اخیر در ساختمان پیری / استایل نشان می‌دهد: یک کتیبه‌ی سریانی که به شخصی به نام *دانیال* اشاره دارد، ثابت می‌کند که این خط تا اواخر

دوران باستان در این شهر استفاده می‌شد (گراسی و همکارانش ۲۰۱۵: ۳-۳۲). با چند استثنا (مانند لهتر ۱۹۳۲: ۱۷. شماره ۱. میچالوفسکی A1۹۶۴: ۱۸۴. شکل ۲۱۴. گراسی و همکارانش ۲۰۱۵: ۳-۳۲) می‌توانیم بگوییم که کتیبه‌های روی سفال‌هایی که تاکنون فهرست و منتشر شده‌اند، عمدتاً از معبد بعششمین به دست آمده‌اند (دونانت B1۹۷۵). بیشتر آن‌ها به زبان یونانی هستند و روی کانتینرهای حمل و نقل به رنگ قرمز یا سیاه نوشته شده‌اند. در بیشتر موارد، روی کتیبه‌های سفالی صرفاً یک یا چند نام نوشته شده است که احتمالاً نام صاحب یا تولیدکننده‌ی کالاهای موجود در کانتینر بود و اغلب قبل یا بعد از نام وی، صلیب‌های ساده یا سایر نمادهای مسیحی مانند چرخ هشت‌پر قرار می‌گیرند. (شکل ۴۳). به غیر از یک مورد (دونانت ۱۹۷۱: ۱۲۵. شماره ۲۸)، شغل این افراد در متن کتیبه مشخص نشده است. /اوستراکا فهرستی از نام‌های (طلبکاران و بدهکاران) موجود در کتیبه‌های عربی (دونانت B1۹۷۵: ۱۲۱. شماره ۵) تهیه کرد و کتیبه‌های مذهبی روی تمبر نان، نمونه‌های استثنائی باقی ماندند (میچالوفسکی a1۹۶۴: ۱۸۴. شکل ۲۱۴).

## فصل ۱

### سرزمین پالمیرا

پالمیرا تنها منطقه‌ای شهری که در دژی محصور شده باشد نبود. این سرزمین از سکونت‌گاه‌های کوچک، مزارع، صومعه‌ها، دژها و سکونت‌گاه‌های نخبگان اشرافی و خاندان سلسله‌ای که بر آن حکومت می‌کردند تشکیل شده بود. رابطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین این بخش‌ها و شهر پالمیرا بسیار گرم بود. به طوری که تا حد زیادی بر تاریخ این منطقه اثر گذاشته است و بررسی همه آن‌ها از داده‌های موجود بسیار دشوار است. در واقع، با توجه به شواهدی که از خود سرزمین پالمیرا به دست آمده، باستان‌شناسی این منطقه هنوز در ابتدای راه است. اخیراً، اقداماتی برای گردآوری شواهد اواخر دوره باستانی و اوایل دوره اسلامی در پالمیرا با تمرکز خاص بر پدیده‌های پراکنده در اقامتگاه‌های اشرافی سران امویان انجام شده

است (جنگوارد ۲۰۱۲). با این حال، مرور کوتاهی بر باستان‌شناسی این منطقه برای تعیین بافت شهری آن ضروری به نظر می‌رسد.

### سرزمین‌های زیر مجموعه پالمیرا

محدوده جغرافیایی منطقه پالمیرا در میان دو رشته کوه به نام پالمیریند مشخص شده است که از سمت غرب و از کوه‌های لبنان نشات گرفته‌اند. در این منطقه، دو رشته کوه با شیب آرامی در مقابل یکدیگر قرار دارند که گذرگاهی با دسترسی آسان ایجاد کرده و هر کدام از این رشته کوه‌ها از تعداد زیادی کوه تشکیل شده‌اند که دره‌های شیب‌دار زیادی در میان آن‌ها وجود دارد (جنگوارد ۲۰۱۲: ۹-۱۱). کوه *آلدوو* بخش شمالی را از کوه‌های جنوبی پالمیرا جدا می‌کند و دشتی مستطیل شکل به مساحت ۸۰۰۰ متر مربع می‌سازد که در منطقه *هووارین* تا ۱۸۰ کیلومتر امتداد دارد. آبی که از کوه‌های اطراف به این دشت می‌ریزد، به سرعت در خاک نفوذ کرده و چشمه‌های این منطقه را پرآب می‌سازد (سان لاول و ترابولسی ۱۹۹۶: ۲۹-۳۰). پست‌ترین نقطه در پالمیرا (با ارتفاع ۳۶۴ متر از سطح دریا) در جنوب شرقی شهر، فلاتی نمکی و وسیع به مساحت ۳۳۰ کیلومتر مربع به نام *سبخات الموح* است که از دوران باستان منطقه‌ای اقتصادی در آن حوزه بوده است (تکسیدور ۱۹۸۴: ۷۰-۸۰). هیچ مانع طبیعی بزرگی در سوق پالمیرا تا رودخانه فلات که در ۲۴۰ کیلومتری شرق آن واقع شده، وجود ندارد (شکل ۱). نقشه‌ای از شهر با اشاره به مکان‌ها و ساختمان‌های اصلی که در متن کتاب به آن‌ها اشاره شده، در شکل ۲ ارائه شده است. شکل‌های ۳ و ۴ وضعیت خرابه‌ها را در سال‌های ۱۹۳۲ (پاییز) و ۱۹۳۱ نشان می‌دهند.